



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

#### مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، هم‌ه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

## یادداشت ۱

مسأله درخواست آنتی‌بیوتیک در داروخانه که بیشتر هم آموکسی‌سیلین ۵۰۰ میلی‌گرم است، کاملاً عادی شده است! نحوه درخواست هم متفاوت است. یعنی عنوان می‌کنند که ادامه درمان است و دارویشان را جا گذاشته‌اند! بعضی هم می‌گویند که دکترشان تلفنی تجویز کرده است! بعضی هم ظاهراً همسایه‌ای، عمه‌ای، دخترخاله‌ای و یا سوپری محله برایشان توصیه و سفارش داشته است. به همه آن‌ها هم گفته می‌شود که حتماً باید یک دوره هفت‌روزه آنتی‌بیوتیک بخورند تا عفونت کاملاً ریشه کن شود. مراجعه‌کننده این دفعه که ظاهراً تلفنی از پزشکش سؤال کرده بود و به داروخانه مراجعه نموده بود، یک ورق آموکسی‌سیلین خواست و در مقابل توصیه نیاز به دو برگ و درمان یک دوره هفت‌روزه توجه نکرد. به تکنیسین داروخانه گفتم: ما حرف خودمان را می‌زنیم و مردم هم ظاهراً خر خودشان را سوار هستند.

## یادداشت ۲

بعضی از داروها مثل مسکن‌ها یا آنتی‌بیوتیک‌ها معمولاً بعد از یکی دو ساعت اثرشان بروز کرده و مریض احساس می‌کند که دردش تسکین یافته یا مثلاً، عفونت دندانش کاهش پیدا کرده است. ولی بعضی از داروها حداقل در یک دوره ۳ تا ۶ ماهه باید مصرف شوند تا اثرشان بروز و ظهور یابد. نسخه‌اش را که به تکنیسین داروخانه ارایه کرد، متوجه شدم که برایش داروی «جینکوبیلوبا» تجویز شده است. سؤال کرد که این دارو برای

چی خوب است؟

توضیح دادم که برای تقویت حافظه و رفع خستگی و ایجاد نشاط تجویز می‌شود. البته، به ایشان هم گفتم که باید حتماً یک دوره ۳ تا ۶ ماهه خورده شود تا اثر آن آشکار گردد. ظاهراً قبل‌ترها برای یکی دو هفته‌ای از این دارو مصرف کرده بوده و چون نتیجه‌ای نگرفته، دارو را قطع کرده است!

## یادداشت ۳

نسخه پروپیامنی داشت. نسخه‌های قلبی معمولاً همین‌طور است. تازه برای چهار ماه مریض هم دارو تجویز شده بود. داروها را که جلوی مریض گذاشتم، شروع کرد به واری کردن آن‌ها! گفتم اجازه دهید من کنترل کنم، بعداً شما هر چه خواستید واری کنید. یکی از داروها کارخانه‌اش عوض شده بود و مریض با آن آشنا نبود. سؤال کرد که این دارو چیست؟ گفتم: اسیدفولیک است.

ذره‌بین از جیبش بیرون آورد و شروع به واری روی دارو کرد. بعداً گفت این که نوشته: فولیک‌اسید!

خنده‌ام گرفت و گفتم انگلیسی نوشته! امان از نصفه نیمه بلد بودن هر چیزی از جمله انگلیسی!

## یادداشت ۴

خانمی حدوداً سی ساله به نظر می‌رسید که بچه تقریباً شش ساله‌ای همراهش بود. تقاضای شربت سرماخوردگی کودکان و سوسپانسیون

تکنیسین داروخانه با خونسردی به ایشان پاسخ داد که قرص های جوشان ویتامین C با طعم لیمو و پرتقال است و ربطی به وازلین ندارد! طرف که متوجه گاف خود شده بود، عذرخواهی کرد و بدون تهیه وازلین، داروخانه را ترک کرد.

### یادداشت ۶

داروهای داخل سبد را که دید، گفت: از این شربت با طعم توت‌فرنگی ندارید؟ مقصودش سوسپانسیون استامینوفن با طعم توت‌فرنگی بود. گفتم: فعلاً نیست.

پاسخ شنیدم که: این بچه شربت تلخ را نمی‌خورد! به شوخی گفتم: شربت باید تلخ باشد تا اثر داشته باشد! شربت به لیمو نیست که خوش مزه باشد! باز هم به شوخی گفتم: یک عدد توت‌فرنگی همراه با یک قاشق شربت، همان خاصیت را دارد! امان از دست بچه‌های امروزی، که رئیس خانه هستند و نمی‌شود بهشان گفت، بالای چشمشان ابرو است!

آموکسی سیلین ۲۵۰ میلی گرمی داشت. پرسیدم که برای چی می‌خواهد؟ با دست به سوی بچه اشاره کرد و گفت: هر وقت ایشان دچار سرماخوردگی می‌شود، این دو تا را به او می‌دهم! در مقابل ایراد من هم گفت: البته زیاد نمی‌دهم، آن قدر که خوب شد، آنتی‌بیوتیک را قطع می‌کنم! به ایشان گفتم که عذر بدتر از گناه آوردید و اصلاً بچه شما احتیاجی به آنتی‌بیوتیک ندارد و با همان شربت سرماخوردگی کودکان، علائم بیماری برطرف شده و بهبودی حاصل خواهد شد.

### یادداشت ۵

وازلین‌هایی که در داروخانه وجود دارد یا دارای اسانس است که به آن وازلین معطر می‌گویند، یا بدون اسانس است که وازلین بدون بو است. مردی حدوداً چهل ساله بود و از تکنیسین داروخانه سراغ وازلین گرفت. برایش مسأله‌ای را که در بالا توضیح دادم، شرح داد و منتظر پاسخ مراجعه‌کننده ماند. طرف کمی این پا و آن پا شد و یک وازلین با طعم لیمو درخواست کرد!